

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد بدین بوم و بر زنده یک تن مبیاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سهراب شباهنگ

۲۶ فبروری ۲۰۱۶

خط فقر و رابطه آن با مزد حداقل در ایران

فقر مفهوم پیچیده ای است و تعریف آن بر حسب زمان و مکان و بر حسب موضع طبقاتی شخص یا نهادی که آن را تعریف می کند، متفاوت است. همچنین دریافت ذهنی و فردی از فقر با دریافت عینی و اجتماعی از آن یکسان نیست. ما در اینجا نخست یک رشته تعاریف رسمی از فقر و خط فقر (یا آستانه فقر) را نقل و بررسی می کنیم. علت این انتخاب آن است که در آمارها و اطلاعات مربوط به فقر (مطلق و نسبی)، خط فقر، نرخ فقر در یک جامعه و نیز مقایسه فقر و خط فقر و غیره در جوامع مختلف و یا در یک جامعه در طول زمان، آن تعاریف رسمی مبنا قرار گرفته اند، از این رو شناخت دقیق آنها لازم است. سپس مزد حداقل در ایران را با خط فقر مطلق و خط فقر نسبی در این کشور مقایسه می کنیم و در آخر مبنائی برای خواست افزایش مزد – که در گذشته نیز مطرح کرده ایم – ارائه می دهیم.

فقر ابعاد گوناگونی دارد و در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی می توان از آن سخن گفت. به عنوان مثال کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل فقر را چنین تعریف می کند: فقر عبارت است از وضعیتی که با محرومیت دیرپا و مزمن از منابع، ظرفیت ها، انتخاب ها، امنیت و توانائی هائی که برای تأمین سطح شایسته ای از معیشت، حقوق مدنی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی لازم اند، مشخص می شود. به عبارت دیگر، هر نوع محرومیت در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فقر به حساب می آید.

اقتصاددانان بورژوا، به ویژه از اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، تعاریف محدودتری از فقر، حتی در حوزه صرفاً اقتصادی، مطرح کرده اند و بعدها نهادهائی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان بین المللی کار و غیره و نیز دولت های بورژوائی این تعاریف محدود را برای سیاست گذاری در عرصه اقتصاد اجتماعی به کار بسته و به آنها رسمیت داده اند. اصطلاحاتی که در مورد فقر مطلق و نسبی، خط یا آستانه فقر، نرخ فقر در جامعه و غیره به کار می روند مبتنی بر این تعاریف هستند که در زیر به برخی از رایج ترین شان اشاره می کنیم.

فقر مطلق بیانگر وضعیتی است که در آن نیازهای اساسی فرد تأمین نگردد یعنی کمبود در زمینه کالاها و خدمات اساسی که معمولاً به خوراک، مسکن و پوشاک مربوط می شوند. سازمان ملل متحد (در اعلامیه کپنهاگ ۱۹۹۵) فقر مطلق را چنین تعریف کرده است: وضعیتی که با محرومیت شدید از نیازهای اساسی شامل غذا، آب آشامیدنی سالم، تسهیلات و وسایل بهداشتی، سلامت، سرپناه، آموزش و اطلاعات مشخص می شود.

خط فقر مطلق یا آستانه فقر مطلق درآمدی است که اگر کسی کمتر از آن داشته باشد دچار فقر مطلق می شود. خط فقر مطلق بر اساس محاسبه کمترین هزینه یک سبد حداقلی برای برآورده کردن اساسی ترین نیازها (که تقریباً همان «بخور و نمیر» یا «قوت لایموت» است) تعیین می شود. برای هر فرد هزینه مواد غذایی معادل ۲۱۷۹ یا ۲۳۰۰ کیلو کالری در

روز در نظر گرفته می شود و مبلغی هم برای پوشاندن هزینه های سرپناه، لباس، سوخت و غیره به آن اضافه می گردد تا خط فقر (مطلق) به دست آید.

بنا به گزارش مشترک بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در سند «اهداف توسعه در عصر تغییرات جمعیتی» (۲۰۱۶-۲۰۱۵)، در سال ۲۰۱۵ حدود ۹.۶٪ جمعیت جهان و یا ۷۰۰ میلیون نفر با درآمد سرانه روزانه معادل ۱.۹۰ دلار یا کمتر زندگی می کردند. منبع:

<http://pubdocs.worldbank.org/pubdocs/publicdoc/2015/10/503001444058224597/Global-Monitoring-Report-2015.pdf>

درآمد سرانه ۱.۹۰ دلار در روز معیار خط فقر برای تمام کشورهای جهان نیست. بانک جهانی کشورهای جهان را برحسب درآمد سرانه ملی به کشورهای با درآمد سرانه پائین، درآمد سرانه متوسط پائین، درآمد سرانه متوسط بالا و درآمد سرانه بالا تقسیم بندی می کند. طبق این طبقه بندی ایران جزء کشورهای با درآمد ملی سرانه متوسط بالا به حساب می آید. بانک جهانی خط فقر در کشورهای با درآمد سرانه متوسط بالا را نه ۱.۹۰ دلار بلکه ۴ دلار در روز ارزیابی می کند منبع:

<http://www.worldbank.org/en/topic/poverty/brief/global-poverty-line-faq>

خط فقر مطلق در ایران

در مورد خط فقر (مطلق و نسبی) در ایران آمارها و داده های بسیار متفاوت و گاه متناقضی از سوی مقامات مختلف دولتی، اقتصاددانان، رسانه ها، سازمان ها و فعالان کارگری و احزاب و سازمان های سیاسی ارائه داده می شود. گاهی نیز برخی افراد بر اساس داده های ناقص و یا مغلوپ و یا از آن بدتر بر اساس فرض های ذهنی و یا محاسبات دلخواهی خود ارقامی پخش می کنند.

اخیراً مرکز آمار ایران یک طرح تحقیقی برای مطالعه خط فقر مطلق و نسبی در ایران در فاصله سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ انجام داده و برخی از مهم ترین نتایج این کار منتشر شده است. این ارقام که نسبتاً دقیق هستند و ارقام رسمی به شمار می روند می توانند مورد استناد ما قرار گیرند.

خلیل حیدری مجری این طرح در مصاحبه ای با هفته نامه «تجارت فردا» (۱۷ بهمن ۱۳۹۴، شماره ۱۶۶) می گوید:

«بر اساس آخرین مطالعه، خط فقر سرانه / سالانه شهری در سال ۸۳ حدود ۴۵۷۸ هزار و ۸۰۰ تومان بوده در حالی که در سال ۹۲ به سه میلیون و ۲۴ هزار و صد تومان افزایش یافته است. در حقیقت این آمار نشان می دهد در سال ۹۲ خط فقر مطلق برای هر نفر ماهانه ۲۵۲ هزار تومان بوده و برای یک خانواده چهار نفره حدود یک میلیون تومان بوده است. این رقم خط فقر مطلق را نشان می دهد که یک خانواده از حداقل امکانات در حد این که غذایی در طول روز استفاده کرده و دارای سرپناه باشد، باید چنین درآمدی به طور میانگین در سطح کشور داشته باشد. این بررسی ها نشان می دهد تأمین ۲۳۰۰ [کیلو] کالری برای هر یک از افراد خانوار در سال منجر به افزایش هفت برابری در فاصله زمانی ۱۰ سال شده است. این افزایش به نسبت کمتری در خط فقر غیر غذایی سرانه / سالانه در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ بوده است. خط فقر غیر غذایی سرانه / سالانه در فاصله زمانی ۱۰ سال مذکور شش برابر شده است. در مجموع خط فقر غذایی و غیر غذایی سرانه بر حسب سال و ماه نیز روندی افزایشی داشته است و در فاصله زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ کمی بیش از ۶.۵ برابر شده است.» (تکیه بر کلمات از ماست.)

در همین مصاحبه گفته می شود: «در مناطق روستائی ایران خط فقر سرانه / سالانه در سال ۸۳ حدود ۲۴۶ هزار تومان بوده که در سال ۹۲ به یک میلیون و ۹۹۲ هزار و ۹۰۰ تومان افزایش داشته است. به عبارت دیگر تأمین ۲۳۰۰ [کیلو] کالری برای هر یک از افراد خانوار روستائی در سال منجر به افزایش هشت برابری مخارج در فاصله زمانی ۱۰ سال شده است.»

اگر خط فقر مطلق یک خانوار ۴ نفره شهری در سال ۱۳۹۲ را بر اساس داده های مرکز آمار معادل یک میلیون و هشت هزار تومان در ماه بگیریم، خط فقر مطلق در سال های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ چنین خواهد بود:

خط فقر مطلق در سال ۱۳۹۳ که نرخ تورم رسمی ۱۵.۶٪ اعلام شده برابر یک میلیون و ۱۶۵ هزار تومان در ماه.

خط فقر مطلق در سال ۱۳۹۴ با نرخ تورم حدود ۱۵٪ برابر یک میلیون و ۳۴۲ هزار تومان در ماه.

خط فقر مطلق در سال ۱۳۹۵ با تخمین نرخ تورم حدود ۱۴٪ برابر یک میلیون و ۵۲۸ هزار تومان در ماه.

بدین سان خط فقر مطلق (یا مبلغی که برای تأمین «قوت لایموت» یک خانوار چهارنفری اجتناب ناپذیر است) در سال ۱۳۹۵ بیش از یک و نیم میلیون تومان خواهد بود.

این رقم با تخمین خط فقر مطلق بر اساس معیار بانک جهانی همخوانی دارد: دیدیم که بانک جهانی خط فقر سرانه روزانه برای کشورهای با درآمد ملی سرانه متوسط بالا را نه ۱.۹۰ دلار بلکه ۴ دلار در نظر می گیرد. از این قرار، خط فقر مطلق در ایران طبق معیارهای بانک جهانی بر مبنای ۴ دلار سرانه در روز برای یک خانوار چهار نفره برابر ۴۸۰ دلار در ماه خواهد بود که معادل یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان در ماه می شود که به رقمی که بر اساس داده های مرکز آمار حساب کردیم نزدیک است. رقم خط فقر مطلق چه بر اساس معیارهای بانک جهانی و چه بر اساس داده های مرکز آمار، تقریباً دو برابر مزد حداقل است. به عبارت دیگر مزد حداقل ماهانه در سال ۱۳۹۴ و یا مزد حداقل ماهانه در سال ۱۳۹۵ اگر به تناسب نرخ تورم حساب شود حدود نصف خط فقر مطلق خواهد بود!

این وضعیت، یعنی کمتر بودن مزد حداقل (و بسیاری از مزدهای دیگر) از خط فقر مطلق، یک ویژگی یا گرایش دیرپا در اقتصاد سرمایه داری ایران است که همان گونه که بارها گفته ایم روش اصلی استثمار در آن استثمار ارزش اضافی مطلق است. برای نشان دادن این گرایش دیرپا، مزد حداقل در سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ را با خط فقر مطلق در ایران در این سال ها مقایسه می کنیم.

جدول زیر که از مقاله «برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۸۵-۱۳۸۵)» نوشته ابراهیم نگهداری، خسرو پیرانی، غلامرضا کشاورز حداد و علی حقیقت گرفته شده خط فقر مطلق را برای خانوارهای ۱ تا ۵ نفره در سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان می دهد:

محاسبه خط فقر مطلق بر اساس بُعد خانوار (یک تا پنج نفره)، ریال در ماه

بُعد خانوار سال	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳۸۵	۲۳۷۶۸.۵	۱۴۸۷۷۲۳	۲۱۶۷۳۶۷	۲۸۶۷۶۵۷	۳۵۳۹۹۴۳
۱۳۸۶	۹۸۳۴۱۷.۶	۱۷۷۶۶۱۷	۲۵۹۴۴۵۴	۳۴۳۱۵۸۴	۴۲۴۱۰۴۶
۱۳۸۷	۱۲۳۰۷۳۹	۲۲۶۶۲۷۷	۳۳۰۷۸۷۱	۴۳۷۹۴۳۰	۵۳۸۲۳۳۷
۱۳۸۸	۱۳۶۸۴۴۲	۲۴۸۷۶۰۸	۳۶۶۵۶۸۸	۴۸۴۹۰۵۴	۶۰۲۴۷۸۰
۱۳۸۹	۱۵۴۳۹۱۴	۲۸۴۸۸۶۱	۳۹۶۶۷۴۴	۵۴۹۸۹۸۳	۶۷۴۳۴۱۶
۱۳۹۰	۱۸۰۳۱۴۴	۳۴۲۵۸۹۱۴	۵۱۱۶۲۵۵	۶۸۶۸۸۳۷	۸۵۷۳۸۲۷

برای مقایسهٔ مزد حداقل با خط فقر، وضعیت خانوار ۴ نفره را مطالعه می‌کنیم (بُعد متوسط خانوار در ایران در سال ۱۳۹۳ برابر ۳.۴۴ نفر بوده و خانوارهای ۴ نفره بیشترین تعداد خانوارها را تشکیل می‌دادند). مزد حداقل در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ را از جدولی که در پیوست آمده استخراج می‌کنیم و در جدول زیر در کنار خط فقر مطلق قرار می‌دهیم و نسبت آنها را محاسبه می‌کنیم.

سال	مزد حداقل	خط فقر مطلق	نسبت مزد حداقل به خط فقر مطلق
۱۳۸۵	۱۵۰۰۰۰۰	۲۸۶۷۶۵۷	۰.۵۲
۱۳۸۶	۱۸۳۰۰۰۰	۳۴۳۱۵۸۴	۰.۵۳
۱۳۸۷	۲۱۹۶۰۰۰	۴۳۷۹۴۳۰	۰.۵۰
۱۳۸۸	۲۶۳۵۲۰۰	۴۸۴۹۰۵۴	۰.۵۴
۱۳۸۹	۳۰۳۰۴۸۰	۵۴۹۸۹۸۳	۰.۵۵
۱۳۹۰	۳۳۰۳۰۰۰	۶۸۶۸۸۳۷	۰.۴۸

بدیده می‌شود که در تمام این ۶ سال مزد حداقل حدود نصف خط فقر مطلق بوده است.

خط فقر نسبی در ایران

خط فقر نسبی بیانگر وضعیتی است که در آن یک فرد بر اساس استانداردهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه در زمان و مکان معین، فقیر محسوب می‌شود. نیازهای انسان تنها غذا و پوشاک و مسکن و دارو نیستند. انسان علاوه بر اینها به بسیاری محصولات و خدمات دیگر در زمینه‌های بهداشت، سلامت، فرهنگ، آموزش، هنر، تفریح، روابط اجتماعی و خانودگی و غیره و غیره نیازمند است. خط فقر مطلق به زحمت بیانگر خروج انسان از حالت زندگی حیوانی است و برای بررسی وضعیت طبقهٔ کارگر باید تمام نیازهای انسانی را که همواره با پیشرفت‌های فنی و علمی، اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در حال افزایش‌اند در نظر گرفت. خط فقر نسبی درآمدی است که داشتن کمتر از آن باعث می‌شود که فرد فقیر به حساب آید.

فقر نسبی همچنین بیانگر وجود روابط تولیدی استثمارگرانه و وجود تضادها و اختلافات طبقاتی ناشی از آن روابط در جامعه است که بخش اعظم افراد جامعه را نه تنها از وسایل تولید بلکه از بسیاری از وسایل مصرف نیز محروم می‌سازد.

اقتصاددانان برای محاسبهٔ خط فقر نسبی در جامعه هم روش‌هایی دارند که در اینجا نمی‌توانیم به آنها بپردازیم و تنها اندازهٔ خط فقر نسبی را به نقل از آخرین داده‌های مرکز آمار در اینجا بازگو می‌کنیم.

خلیل حیدری در مورد خط فقر نسبی در ایران می‌گوید: خط فقر سرانهٔ شهری و روستایی در سال ۹۲ به ترتیب هشت میلیون و ۵۷۴ هزار و ۸۰۰ تومان در سال و چهار میلیون و ۷۶۱ هزار و ۷۰۰ تومان در سال برآورد شده که به ترتیب حدود سه و دو برابر خط فقر مطلق است.

بدین سان در سال ۱۹۹۲ خط فقر نسبی سرانه در مناطق شهری برابر $714567 = \frac{9974900}{14}$ تومان در ماه بوده است

که برای یک خانوار چهار نفره دو میلیون و هشت صد و شصت هزار تومان در ماه و خط فقر نسبی در روستا تقریباً یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در ماه بوده است.

روشن است که برای محاسبهٔ تقریبی خط فقر نسبی در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ باید نرخ تورم در این سال‌ها را نیز در نظر بگیریم (همان‌گونه که در مورد محاسبهٔ خط فقر مطلق این کار را کردیم). بدین سان خط فقر نسبی مناطق

شهری به رقمی در حدود ۳.۲ میلیون تومان در ماه و خط فقر نسبی در مناطق روستائی به بیش از دو میلیون تومان در ماه بالغ خواهد شد.

مزد حداقل و هزینه های خوراک و مسکن

طبق داده های مرکز آمار در پائیز سال ۱۳۹۴ اجاره ماهیانه یک متر مربع زیربنای مسکونی در تهران حد اقل ۲۲۶۰۹ ریال بوده است. بدین سان اجاره یک واحد مسکونی با ۶۵ متر مربع زیر بنا برای یک خانوار چهار نفری به حدود یک میلیون و چهارصد و هفتاد هزار تومان در ماه می رسد. که بیش از دو برابر مزد حداقل در سال ۱۳۹۴ است. هزینه متوسط خوراک یک خانوار چهارنفره در ماه طبق داده های بانک مرکزی در سال ۱۳۹۳ برابر ۲۴.۶٪ کل هزینه خانوار بوده است یعنی در سال ۱۳۹۵ بیش از ۸۸۰ هزار تومان صرف هزینه خوراک ماهیانه خانوار می شود. بدین سان حتی اگر در خانوار چهار نفره کارگری دو نفر (زن و مرد) مزد حداقل دریافت کنند باز هم قادر به تأمین خوراک و اجاره خانه نخواهند بود تا چه رسد به هزینه های مربوط به پوشاک، بهداشت و درمان، حمل و نقل، تحصیل، ارتباطات و غیره. ملاحظه می شود که در یک خانوار کارگری چهار نفره اگر دو شاغل با مزد حداقل وجود داشته باشد و این خانوار حق اولاد و مسکن و یارانه نقدی هم دریافت کند کل درآمد ماهانه اش به دو میلیون تومان در ماه هم نمی رسد که برای تأمین هزینه خوراک و مسکن خانواده در ماه کافی نیست. حتی اگر هزینه مسکن را نصف حداقل هزینه مسکن در تهران فرض کنیم. به همین علت است که بسیاری از کارگران به اضافه کاری روی می آورند یا به کار دوم و سوم یا کار سیاه می پردازند. طبق داده های مرکز آمار در پائیز سال ۱۳۹۴، حدود ۳۶٪ کارگران بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار می کردند. وادار کردن کودکان به کار، به ویژه در روستاها، نیز یکی دیگر از نتایج وخامت بار فقر شدید کارگران، سطح مزد بسیار پائین آنها و سطح بالای بیکاری، به ویژه بیکاری زنان است که دیدگاه های ارتجاعی و ضد زن مقامات حاکم نیز به شدت و تداوم آن افزوده است.

می دانیم که بخش اعظم کارگران در ایران مزدی برابر مزد حداقل یا کمتر از آن دریافت می کنند. همچنین می دانیم که اکثریت بالای ۹۵٪ کارگران بیکار از مستمری بیکاری هم محرومند. بدین سان آنچه در مورد مزد حداقل و ارتباط آن با هزینه های خوراک و مسکن گفتیم در مورد اکثریت عظیم کارگران و نیز دیگر زحمتکشان روستا و شهر صادق است.

مبنائی برای خواست افزایش مزد

نخست باید بگوئیم که ماده ۴۱ قانون کار نمی تواند مبنائی برای خواست افزایش مزد در سال ۱۳۹۵ باشد. نگاهی به این ماده بیندازیم:

بند اول این ماده می گوید: «۱ - حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.» به عبارت دیگر طبق این ماده مزد باید به تناسب تورم سال ۱۳۹۴ که بین ۱۳ تا ۱۵٪ تخمین زده می شود افزایش پیدا کند یعنی ۷۱۲۴۲۵ تومان در سال ۱۳۹۴ به حد اکثر حدود ۸۲۰ هزار تومان در ماه برسد. بالاتر دیدیم که این مبلغ تقریباً نصف خط فقر مطلق است یعنی نصف قوت لایموت یک خانوار چهار نفری در ماه. ما در جای دیگر نشان داده ایم که حتی اگر همه ساله از سال ۱۳۵۸ تا کنون مرزها به تناسب تورم افزایش می یافت، باز هم مزد حداقل از خط فقر مطلق کمتر می بود.

حال به بند دوم ماده ۴۱ می پردازیم. طبق این بند «۲ - حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.» این که مزد به اندازه ای باشد «تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید» بسیار مبهم است و مانند تمام قوانین بورژوائی به شیوه

های مختلف قابل تأویل و تفسیر است و اساساً برای فریب و تحمیق کارگران آمده است. باید پرسید تأمین یک زندگی یعنی چه؟ معیار این تأمین چیست؟

باید از طرفداران این ماده، چه اعضای شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و چه برخی فعالان کارگری مستقل و سازمان های مدافع طبقه کارگر که هنوز نسبت به ماده ۴۱ توهم دارند پرسید در طی چند دهه گذشته آیا هرگز در مذاکرات مزد (چه مذاکرات سالانه و چه مذاکراتی که به دنبال اعتصابات و اعتراضات ممکن است انجام شده باشد) به بند ۲ این ماده استناد شده و آیا هرگز «سبب معیشت خانوار کارگری» در چنین مذاکراتی مورد بحث قرار گرفته است؟ اصولاً آیا سبب معیشتی کارگران که مورد توافق باشد وجود دارد؟ چنین سببی - در صورت وجود - چگونه و بر اساس کدام ارزیابی علمی، اجتماعی و اقتصادی، کدام صلاحیت و کدام نمایندگی در ایران تعیین و محاسبه شده است؟ می بینیم که بند اول و هم بند دوم ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی هر دو فریبکارانه، یا در هوا و ضد کارگری اند.

از سوی دیگر هر چند توضیح و بازکردن مسأله خط فقر (مطلق و نسبی) برای افزایش آگاهی توده کارگران و افشای سرمایه داران و دولت اسلامی سرمایه اهمیت زیادی دارد (و یکی از اهداف نوشته حاضر همین است)، اما رسیدن به خط فقر، چه مطلق و چه نسبی، نمی تواند هدف کارگران باشد! به عبارت دیگر رسیدن به خط فقر (چه مطلق و چه نسبی) نمی تواند شعار مثبت یا ایجابی کارگران پیشرو باشد. کسانی که خط فقر (حتی فقر نسبی) را مبنائی برای سطح مزد درخواستی مطرح می کنند تلویحاً سطح معینی از فقر را پذیرفته اند هر چند که این سطح از مزدهای کنونی بیشتر باشد. سرمایه داران و نظام سرمایه داری کارگران را به فقر مطلق و نسبی محکوم می کنند، اما خود کارگران نباید این «سرنوشت» را بپذیرند!

مبنائی که ما پیشنهاد می کنیم و در سال های گذشته هم توضیح داده ایم چنین است: از آنجا که کارگران مزدی ایران طبقه واجد اکثریت مطلق در جامعه اند و در همان حال مولد بخش اعظم ثروت کشورند (بالای ۸۰٪)، پس طبیعی است که درآمد آنها دست کم در سطح درآمد متوسط جامعه باشد و متوسط هزینه زندگی یک خانوار چهار نفره را تأمین کند. متوسط هزینه خانوار شهری را هر ساله بانک مرکزی اعلام می کند (البته با یک سال تأخیر). مثلاً در صفحه ۸ سند «نتایج بررسی بودجه خانوار در سال ۱۳۹۳» که در شهریور ۱۳۹۴ منتشر شده آمده است: متوسط هزینه ناخالص ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۳ معادل دو میلیون و هفتصد و سی و نه هزار و هفت صد تومان در ماه بوده است.

برای محاسبه تقریبی متوسط هزینه ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ باید این مبلغ را با در نظر گرفتن تورم سال ۱۳۹۴ و پیش بینی تورم سال ۱۳۹۵ به روز کرد. بدین سان متوسط هزینه زندگی ماهیانه یک خانوار چهار نفری در سال ۱۳۹۵ برابر $2739700 \times 1.15 \times 1.14$ تومان و یا تقریباً ۳.۶ میلیون تومان خواهد بود.

شماری از سازمان های فعال در زمینه مسایل کارگری، در «بیانیه تشکل های کارگری در رابطه با دستمزد سال ۹۵» مزد درخواستی برای سال ۱۳۹۵ را ۳.۵ میلیون تومان اعلام کرده اند. این رفقاء روی رقم درستی انگشت گذاشته اند اما استناد آنها به بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار در مورد توجیه دستیابی به این مزد درست نیست، زیرا چنان که توضیح داده شد ماده ۴۱ قانون کار رژیم مبهم و به شیوه های مختلف قابل تفسیر است و چنین مزدی را به روشنی از آن نمی توان استنتاج کرد: چگونه می توان نشان داد مبلغی که طبق این ماده باید «زندگی خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید»، دقیقاً ۳.۵ میلیون تومان است؟!

ما، همان گونه که در بالا گفته شد، ماده ۴۱ را به عنوان مبنای افزایش مزد قبول نداریم و خط فقر را هم معیار نمی گیریم. ما همچنین سببی از کالاها و خدمات برای خانوار کارگری («جیره بندی محترمانه!») تعریف نمی کنیم. مبنای خواست و حرکت ما برای افزایش مزد، هزینه متوسط واقعی یک خانوار چهار نفری است، هزینه ای که در زندگی واقعی - فارغ از این که وضع اقتصادی کشور چگونه باشد - وجود دارد و خود کارفرمایان و دولت آنها نیز نمی توانند آن را انکار کنند چون رسمی است

و در سند «نتایج بررسی بودجه خانوار در سال ۱۳۹۳» منتشر شده در شهریور ۱۳۹۴ بانک مرکزی آمده است! تنها براین پایه است که می توان نشان داد مزد کارگران در سال باید ۳.۵ تا ۳.۶ میلیون تومان در ماه باشد. در صورت استقرار سطح مزد بر مبنای هزینه متوسط زندگی یک خانوار چهار نفری، سیر قهقرائی شدید مزدهای حقیقی در چند دهه اخیر، تا حدی متوقف خواهد شد. این امر البته نه به معنای محو استثمار و نه به معنای تأمین رفاه کارگران است بلکه صرفاً به معنای دست یابی کارگران به یک سطح زندگی عادی و بیرون آمدن از ورطه هولناک و عمیق شونده فقر حاکم بر جامعه است. روشن است که دست یابی به چنین مزدی به معنای پایان مبارزه برای مزد بالاتر در آینده نخواهد بود. اگر کارگران به سطح مزدی که توضیح داده شد دست یابند می توان از افزایش سالانه آن مزد به تناسب تورم و به تناسب رشد متوسط بارآوری کار برای سال های بعد سخن گفت. اما چنان که بارها گفته ایم هیچ افزایشی در سطح مزد در جامعه سرمایه داری نه به استثمار کارگران پایان می دهد و نه موقعیت فرودست آنها در جامعه را دگرگون می سازد. تنها با برانداختن شیوه تولید سرمایه داری و نظام کار مزدی است که کارگران و تمام انسان ها می توانند از بند استثمار و ستم طبقاتی و تبعات آنها آزاد شوند.

بهمن [دلو] ۱۳۹۴

پیوست

مزد حداقل اسمی (تومان در ماه) و نرخ تورم در سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۴

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
مزد حداقل	۱۷۰۱	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۲۱۶۰	۲۱۶۰
نرخ تورم (درصد)	۱۱.۴۰	۲۳.۵	۲۲.۸	۱۹.۲	۱۴.۸	۱۰.۴	۶.۹	۲۳.۷
سال	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
مزد حداقل	۲۲۸۰	۲۴۹۰	۲۴۹۰	۳۰۰۰	۵۰۳۱	۶۸۰۱	۸۹۸۲	۱۱۶۸۲
نرخ تورم (درصد)	۲۷.۷	۲۸.۹	۱۷.۴	۹.۰	۲۰.۷	۲۴.۴	۲۲.۹	۳۵.۲
سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
مزد حداقل	۱۵۹۹۹	۲۰۷۲۱	۲۵۴۴۶	۳۰۱۵۳	۳۶۱۸۳	۴۵۸۰۱	۵۶۷۹۰	۶۹۸۴۶
نرخ تورم (درصد)	۴۹.۴	۲۳.۲	۱۷.۳	۱۸.۱	۲۰.۱	۱۲.۶	۱۱.۴	۱۵.۸
سال	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
مزد حداقل	۸۵۳۳۸	۱۰۶۶۰۰	۱۲۶۶۷۸	۱۵۰۰۰۰	۱۸۳۰۰۰	۲۱۹۶۰۰	۲۶۳۵۲۰	۳۰۳۰۴۸
نرخ تورم	۱۵.۶	۱۵.۲	۱۰.۴	۱۱.۹	۱۸.۴	۲۵.۴	۱۰.۸	۱۲.۴

(درصد)								
سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵		
مزد حداقل	۳۳۰۳۰۰	۳۸۹۷۰۰	۴۸۷۱۲۵	۶۸۰۹۱۰	۷۱۲۴۲۵			
نرخ تورم (درصد)	۲۱.۵	۳۰.۵۴	۴۳.۰	۱۵.۶	۱۳-۱۵ (تخمین)			

